

آغاز روانشناسی در فلسفه

فلسفه تجربی در انگلستان در اوائل



قرن نوزدهم



تأقرن نوزدهم ، انگلستان در فلسفه مقام والائی داشت . از زمان ولایت
فلاسفه با کمک عقاید نوین توانستند درباره طبیعت آدمی و وسعت و حد دانش
و آگاهی او تعاریف جدیدی بیاورند و نیز کوشیدند تا برای حل قضایای (۱) واقعی
مختلف ، معیارهای منطقی بکار برند .

بعداً همین شالوده که مبتنی بر روانشناسی بود و در مباحث فلسفی بکار
میرفت ، بصورت روانشناسی نیمه اول قرن نوزدهم درآمد . روانشناسی در
این دوره مبتنی بر هیچگونه مشاهده منظم نبود و اساس آن تنها بر پایه درون-
نگری روانشناسی در مورد حالات نفسانی خود بود ، در روش نیز فقط معتقد به
اصالت عقل (۲) بود ، یعنی استنباط و نتیجه گیری از عطالهی که به نظر صحیح می آمد
و منظم کردن نتایج چنین استدلال قیاسی . روانشناسان قرن نوزدهم این فلسفه
سنتی (۳) را که اصطلاحاً «فلسفه عقلی» (۴) خوانده می شد گرفتند و کوشیدند تا
آنها بیشتر بصورت تجربی در آورند .

اطلاعات روانشناسی در محدوده این فلسفه سنتی ، محدود به محتویات
هشیاری (۵) فرد می شد و هشیاری نیز شامل «نفس» هنگامیکه شخص چیزی را
می بیند ، یا یکی از حوادث گذشته را بخاطر می آورد یا برای حل مسئله ای فکر
می کند یا دچار هیجان (۶) (عاطفه) مشخصی میشود ، می گشت . هنگام بحث
از حالات پیچیده هشیاری نیز غالباً از تئوری ای که مبتنی بر ثنویت (۷) بود ،

-
- 1- Proposition
 - 2- Rationalistic
 - 3- Traditional
 - 4- Mental Phylosophy
 - 5- Consciousness
 - 6- Emotion
 - 7- Dualistic

استفاده می‌شد .

بسیاری از دانشندان تا آنجا که حالات عقلی (۱) را بسبب صفت خاصشان نمی‌توانستند جزء علم فیزیک یا شیمی بحساب آورند ، آنها را از تغییرات مادی (۲) در مغز و سیستم اعصاب مجزای دانستند ، حتی آن دسته از مادیون (۳) که می‌خواستند حالات عقلی را به کنش مای (۴) مغز تحویل کنند ، این مطلب را قبول داشتند که هر دو حالت ، یعنی حالات عقلی و تغییرات مادی در مغز و سیستم اعصاب ، باید بطور جداگانه توصیف شوند . و بنا بر این کار خاص روانشناسی را توصیف احساسات و تصورات انسان درک و هشیار می‌دانستند .

همچنین بیشتر مفکران « اصالت احساس » (۵) را بعنوان مفهومی که می‌گوید « هشیار می‌تواند بصورت احساساتی که از واکنش جریان‌های عصبی حسی ، ناشی می‌شود و نیز بصورت‌های ذهنی (۶) که سرچشمه آنها حس است ، تجزیه شود » قبول داشتند . این مفهوم برای توصیف هشیار از یک روش تحلیلی (۷) واتمی (۸) استفاده می‌کرد .

1 - Mental 2 - Materialists 3 - Physical

4 - Function 5 - Sensationism 6 - Ideal

7 - Analytical 8 - (Atomistic)

L. Atomism Psychologique « اتمی نفسانی » اجمالاً آنست

که حیاط نفسانی را تحلیل کرده با جزائی میرسانند یا عبارت دیگر نفس را مرکب از عناصری مجرد و ممتاز از یکدیگر میدانند که فقط بر روی هم سوار شده باشند .

عیناً مانند تکه‌های کاشی یا آئینه که در کاشیهای معرق و در آئینه کاریها پهلوی هم گذاشته میشوند . « لاک » و « هیوم » و « اسپنسر » و « کوندیاک » و « تن » فرانسوی از پیروان مذهب اتمی نفسانی هستند . کتاب النفس یا روان شناسی از لحاظ تربیت تألیف آقای دکتر علی اکبر سیاسی چاپ ششم س ۱۳۶۰ .

کارمقدماتی روانشناسان تجزیه و تحلیل نفس هشیار به عناصر اولیه آن (یعنی احساسات و انزاع مختلف تصورات) بود. حال چگونه این عناصر اولیه با یکدیگر مربوط می‌شوند تا حالات پیچیده نفس را ایجاد کنند، خود مطلبی بود که غالباً با کمک تئوری تداعی مذهبیان (۱) توصیف می‌شد. قوانین بدست آمده تعیین می‌کردند که عوامل و عناصر مختلف تحت کدام شرایط باهم می‌آمیزند و در ترکیب خود نیز هر یک به چه نسبت محفوظ باقی میمانند. بعضی از روان‌شناسان، قوانین تداعی را برای توصیف کامل ترکیب یا اختلاط عناصر کافی میدانستند، درحالی‌که دیگران معتقد بودند که نفس عمل قضاوت را انجام میدهد یا مطابق اصول ذاتی دیگر اورگانیزم، که حاکم بر احساسات یا تداعی است، عمل میکند. بهر حال برای بعضی از نویسندگان بزرگ تداعی گرائی، یعنی مراجعه به اصول تداعی معانی، بعنوان اساسی‌ترین اعمال نفس

۱- Associationist

آقای دکتر علی اکبر سیاسی در همان کتاب درباره معنی Association *desidées* اشتراك افكار، اشتراك خواطر، تسلسل خواطر یا افكار غلط است چه خود اصطلاح اروپائی آن، از رساندن معنی عاجز و مورد انتقادات حکمای مغرب است. زیرا «آسایون» یا اشتراك بطور ضمنی میرساند که میان دو امر روابط منطقی ادراك شده است، در صورتیکه میان اموری که یکدیگر را بخاطر می‌آورند، شاید هیچگونه رابطه منطقی و معقول موجود نباشد و اگر هم باشد ذهن بی‌توجه بآن رابطه از بعضی منتقل به بعضی دیگر بشود. لفظ افكار هم نمیتواند بر تمام مقصود دلالت کند زیرا فقط افكار نیستند که تداعی میشوند، بلکه تمام نفسانیات از احساسات و صور گرفته تا انفعالات و افعال همگی دارای این خاصیت هستند، کلمه تسلسل نیز این عیب را دارد که دعوت دو جانبه نفسانیات را نمیرساند.

از این کلمه تداعی معانی که مناسب بنظر آمده است، انتخاب گردید. چه اولاً «معنی» لفظی عام است و ثانیاً «تداعی» بخوبی میرساند که دعوت و احضار از دو طرف صورت می‌گیرد (ص ۱۷۶).

از کارهای عادی بشمار می‌آید. اغلب تداعی مذهب‌بان چنین استدلال می‌کردند که نفس، سیستم فنی پیچیده‌ایست که طبق اصول مشابه با همان اصولی که در علوم طبیعی مورد قبول است، عمل می‌کند و باین جهت مفهوم «روح» (۱) یا خود (۲) را غیر ضروری میدانستند. دانشمندان دیگر، بخصوص فلاسفه پیر و اسکاتز که با «کیرک» (۳) آشنا بودند، ضمن مخالفت با تداعی مذهب‌بان، از یک عامل بالاینر که در عین حال سازمان دهنده و ترکیب‌کننده نیز بود، دفاع می‌کردند.

بالاخره یک نوع تمایل کلی نسبت به «اصالت هوش» (۴) بوجود آمد و روانشناسان معتقد شدند آدمی میتواند بوسیله درون‌نگری بفهمد زندگی عقلی چیست و نیز برای چه هست. در این روش نیز تمام کیفیات آگاهی (۵) کلی و اعمال اساسی مربوط به هوش و حواس و اراده، برای تحقیق و بررسی دقیق و توصیف شخص آماده‌است. باین ترتیب معتقد بودند هشیاری فرد و محتوی هشیاری و اعمال مربوط به آن، برای شخص بهنجار آماده است تا دقیقاً خود را مطالعه و بررسی کند. روانشناسی در این دوره، علمی توصیفی و هدف اصلی، آن دوره آماده کردن بعضی از تحقیقات درباره نفس بود تا فلاسفه هنگام بحث از دانش آدهی و علم اخلاق ۶ از آن استفاده کنند.

۱ - Soul ۲ - Self ۳ - Kirk

۴ - intellectualism اعتقاد باینکه دانش زاده تعقل است و بس -

فلسفه عقلیه .

۵ - Awareness

۶ - ethics علوم راهی‌توان بیک اعتبار بردودسته بزرگ تقسیم کرد. یک دسته علوم طبیعی که موضوعشان همه وجودات عالم است و دسته دیگر علوهی که منحصرأ از انسان صحبت می‌کنند و علوم اخلاقی خوانده می‌شوند. اما چون انسان از سه حیث ممکن است مورد مطالعه واقع شود، علوم اخلاقی سه دسته خواهند بود.

اول علوم اخلاقی خاص، که از خود انسان بحث می‌کنند. دوم علوم -

از طرف دیگر چون هر شخص می‌توانست این تحقیقات را در حالات همیشگی خود انجام دهد، بنابراین دیگر احساس احتیاجی نسبت به فنون دقیق تجزیه و تحلیل مسائل نبود.

به‌رحال وضع چنین بود تا در اوایل قرن نوزدهم، بعضی از نویسندگان بزرگ روانشناسی، تمایل بیشتری نسبت به روانشناسی درون‌نگری عملی نشان دادند.

یکی از مشهورترین این نویسندگان یکنفر از اهالی اسکاتلند بنام توماس براون (۱۸۲۰-۱۷۷۸) است که فارغ التحصیل رشته طب از دانشگاه ادینبورگ (۱) بود. بعداً از وی دعوت شد تا با پروفسور دوگالد استوارت (۲) که بین سالهای ۱۸۲۰-۱۸۱۰ استاد رشته فلسفه اخلاقی همان دانشگاه بود، همکاری کند در واقع براون در این موقع در عنوان کرسی رشته فلسفه اخلاقی یا استورت سهمیم بود. براون مردی توانا و سخنرانی درخشان بود. وقتی براون در سال ۱۸۲۰ و در سن ۴۲ سالگی بدرود حیات گفت، سخنرانی‌های او بصورت کتابی با عنوان «سخن‌رانی‌های در زمینه فلسفه نفس آدمی» (۳) چاپ شد. این کتاب به‌چند دلیل دارای اهمیت است: ۱ - شهرت کتاب در سالهای بعد. ۲ - تازگی مطالب آن ۳ - این واقعیت که محتویات آن سازش استادانه بین دو تئوری مخالف یعنی تداعی مکانیکی (۴) تحلیلی (آمی) هیوم و هارتلی (۵) و مکتب اسکاتلندی توماس-

اجتماعی، که موضوعشان انسان است از لحاظ روابطیکه هم‌وعان خود دارد. سوم علوم تاریخی، که انسان را از نظر نشوونما و زندگی که در زمان گذشته داشته است مورد مطالعه قرار می‌دهند. ... کتاب منطق و فلسفه تألیف دکتر علی اکبر سیاهی چاپ ابن‌سینا سال ۱۳۴۰ ص (۴۴-۵۷)

Edinburgh - ۱

Dugald stevart - ۲

Lectures on The Philosophy of the Human Minn - ۳

۴ - اعتقاد باینکه علل زیستی و جسمی برای توصیف و تشریح رفتار

Hartley - ۵

اجتماعی کافی است.

که در وحدت روح و نیروهای فعال نفس آدمی اصرار داشت ، بوجود آورده بود .

براون با مهارت مفهوم «تداعی» را کنار گذاشت و تلقین^(۱) را جایگزین آن ساخت و همه ارتباط و همبستگی بین اصول هشیاری ، حواس مجرد و تداعی معانی را به اصل «همزیستی»^(۲) تبدیل کرد. با اعتقاد او يك واقعه عقلائی، واقعه دیگر را بموجب شباهت یا تضاد یا تنها از نظر مجاورت زمانی یا مکانی تلقین می کند . بهر حال براون فرضیه لاک را اشاعه داد. لاک میگفت علاوه بر تصوراتی که از تحریک حسی ناشی میشود، ما تصورات دیگری داریم که ناشی از بازتاب^(۳) داده‌ها یا اطلاعاتی است که از طریق حواس بدست آمده است. آگاهی از همبستگی بین اشیاء و امور و حوادث ، يك اصل حسی یا اصل تداعی عوامل حسی ، نیست بلکه چیزی است که از مرکز و الاثر ، بر اطلاعات و داده‌های حسی ما تحمیل شده است . انسان دارای توانائی و استعدادهایی است که توسط آنها روابط بین اشیاء و امور را درک میکند و بعد درباره آنها به قضاوت میپردازد و بالاخره آنها را با یکدیگر مقایسه می کند . باین ترتیب می بینیم چگونه در عین حالیکه در تئوری براون نوعی اعتقاد به تداعی دیده می شود، مابعدا تعدیل و اصلاح شده است .

تازگی نظریات و اعتقادات براون از آن جهت بود که وی نه تنها به قوانین کلی تداعی قانع نشد ، بلکه آنها را نیز رد کرد . براون کوشش کرد تا بتواند باین سؤالات که : چگونه روابط خاصی بین سه یا چهار تصور مجرد ایجاد میشود ؟ نتایجی که از آنها بدست می آید به چه نحو است ؟ و این نتایج چه هستند جواب دهد . او از طریق «مشاهده - خود»^(۴) ، قوانین فرعی تداعی معانی را بدست آورد

۱ - Suggestion نوعی حالت نفسانی است که بر شخص در این حالت تحت تأثیر کلمات ، گرایشها یا اعمال شخص یا اشخاص دیگر قرار گیرد و یادرت تحت شرایط خاصی ، بدون تردید چیزی را قبول میکند یا انجام میدهد یا به آن اعتقاد پیدا می کنند .

۲ - co-existence - ۳ Reflection - ۴ self-observation

در نیمه دوم قرن نوزدهم و موقعیکه روانشناسی تجربی مورد توجه قرار گرفت ، فرضیه‌های براون اهمیت پیدا کرد و تأیید شد .

وارن (۱) در کتاب خود بنام «تاریخ روانشناسی تداعی (۲) (۱۹۲۱) ، قوانین براون را چنین خلاصه می‌کند :

۱ - «هر چه بیشتر در مورد اشیاء تأمل کنیم ، یادآوری آنها در آینده کامل تر خواهد بود .» عبارت دیگر استمرار تجربه در یادآوری آن مؤثر است .

۲ - «قسمتهای مربوط به هر رسته از تصورات ، اگر بطور مکرر تجدید شوند ، بهمان نسبت زودتر تلقین می‌شوند .» عبارت دیگر تکرار نسبی در ارتباط تصورات ذهنی عامل مؤثری است .

۳ - فعالیت نسبی یک تداعی ، ارتباط بین عوامل آنرا تقویت می‌کند .

۴ - «تازگی وقوع ، در احتمال یادآوری مؤثر است .»

۵ - هر چه تداعی‌های متناوب کمتر باشد ، احتمال اینکه دو عامل خاص بیکدیگر مربوط باشند ، بیشتر است .»

۶ - بین افرادی که یک سری از تمایلات را بیش از تمایلات دیگر تقویت میکنند ، اختلافات نهادی (۳) وجود دارد .

۷ - هیجانان (۴) ، علایق و احتیاجات مختلف شخص ، بر آنچه تداعیها تشکیل داده اند یا تقویت کرده اند ، اثر می‌گذارند .

۸ - ناراحتی شدید ، مثل مریضی ، مسمومیت و غیره بر تداعیها اثر می‌گذارند .

۹ - از طریق شناخت عادات قبلی و تمایلات شخص میتوان مشخص کرد عکس العمل او در یک موقعیت خاص چگونه است ، و میتوان فهمید چه مطالبی

۱ - H. C. Warren

۲ - Hiatory of association Psychology (1921)

۴ - emotions

۳ - Contitutional

را متوجه خواهد شد ، وجه چیزهایی را مورد غفلت قرار خواهد داد . نکته جالب در اینجا این است که تأکید بر عوامل هیجانی و نهادی و نیز اختلافات فردی هر دو کار تازه است . برای اولین بار تشخیص داده شد که قوانین کلی نیز احتیاج به تعدیل و اصلاح دارند و این عمل نیز باید تحت شرایط خاصی انجام گیرد ، در حال حاضر بسیاری از این فرضیات قابل آزمایش هستند و در مطالعات تجربی نیز مثل یادگیری هجاها در یادگیری اسامی ، از آنها استفاده شده است .

دیگر از نوآوری‌های براون تعدیل و اصلاحی بود که در مورد داده‌ها و اطلاعات حسی انجام داد . او این اصلاح را از طریق تأکید بر اهمیت حس عضلانی (۱) که مایه و اساس تصورات مربوط به مقاومت و سختی می‌گردد ، انجام داد . او در تئوری خود که مربوط به ادراک فضا بود ، احساسات عضلانی (۲) (یعنی احساساتی که از فعالیت عضلات و غدد ناشی می‌شود) را پیش کشید . با اعتقاد او ممکن است آگاهی مقدماتی مادر باره ، مثلاً یک گل سرخ ، ناشی از تاثیرات بصری و احساس بویایی باشد . تنها هنگامی که شیئی را لمس می‌کنیم و آنرا بر میداریم و حرکت میدهم ، دانش و آگاهی و علم خود را نسبت به خصوصیات آن تصدیق می‌کنیم و تمهیم می‌دهیم . همانطوریکه در شماره‌های بعد اشاره خواهیم کرد ، این نظریه بعدها در آثاری چون (۳) بکار رفت و منتهی به آزمایش‌های اولیه‌ای شد که آنها در زمینه احساسات عضلانی انجام دادند .

علاقه براون به تجربه و عمل بطور کلی بیش از گذشته‌گان او ، یعنی هیوم و رید بود . علاقه او بیش از واقعیت کلی ، به تجربه‌های واقعی و مادی بود . هر چند براون در میان سنت‌های قدیمی باقی میماند و بطریقه مشاهده - خود که روشی کلاسیک است ، تکیه می‌کند و گاهی نیز مطالب و مقاصد خود را با اشعار لاتین نشان میدهد ، مع هذا غالباً اندیشه‌های او همانند پلی است که فاصله و شکاف بین روانشناسی عقلی (۴) و تجربی (۵) را پر می‌کند .

۱ - Titchener ۲ - kinaesthetic ۳ - muscle sense ۴ - Rationalist ۵ - Empirical

۴ - Rationalist ۵ - Empirical

تعمایلات مترقی براون، وقتی در مقابل عقاید کیش بزرگ «تداعی مذهب» یعنی جیمز میل (۱) (۱۸۳۶-۱۷۷۵) قرار میگیرد، که در تئوری او ترکیب مکانیکی (۲) عوامل حسی (۳) و تصویری، تنها بر اساس تداعی صورت میگیرد، و در این راه نیز راه افراطی میباید، روشن میگردد.

میل (۴)، اسکاتلندی فقیری بود که شخص ثروتمندی از وی پشتیبانی میکرد تا او بتواند در دانشگاه ادینبورگ تحصیل کند.

میل در سال ۱۸۰۲ به لندن رفت و به عنوان روزنامه نگار شروع بکار کرد. میل در این هنگام بیشتر در زمینه علم سیاست و حکومت کار می کرد و برای نشریات مخصوص رادیکالها، مقاله می نوشت. در سال ۱۸۱۷ و هنگامیکه کتاب او بنام «تاریخ هندوستان» با موفقیت روبرو شد. شانس باو روی آورد و این زمان نیز مصادف با آغاز قانون امپراطوری انگلستان بود. پس از مدتی کوتاه با حقوقی معادل ۲۰/۰۰۰ دلار در سال با استخدام کمپانی هند شرقی درآمد که این درآمد نیز در آن روزگار بسیار زیاد بود. در سال ۱۸۲۹ هر چند از روانشناسی دور بود، مقاله ای تحت عنوان «تجزیه و تحلیل پدیده نفس آدمی» (۵) نوشت.

۱- Jamesmill ۲- Mechanical ۳- Idestional

۴- Jamesmill جیمز میل (۱۷۷۳ الی ۱۸۳۶) از جرمی بنتام جوانتر بود، اما با او دوست و همقدم گردید و مانند او در سیاست کشور خویش دخالت مهم نمود، طبقه متوسط ملت را در مقابل اشراف تقویت میکرد. عامل مؤثر رادر ملت، تعلیم و تربیت میدانست که مردم خیر و صلاح خود را بهتر تشخیص میکنند و به راه خردمندی بروند. اثر فلسفی او کتابی است بنام «تشریح ذهن انسان» که در روانشناسی نگاشته است. بنیاد تمقل را بر تداعی معانی و مناسبت تصورات و معلومات با یکدیگر می پنداشت و از این اصل برای همه امور زندگی نتایج مهم می گرفت که شرح آن در این مختصر نمی گنجد... کتاب سیر حکمت در اروپا جلد سوم از انتشارات کتابفروشی زوارس ۱۲۵،

۵- The Analysis of the phenomena

او در این مقاله از هیوم و هارتلی پیروی کرد و همه محتوی هشیاری آدمی را به دودسته از عوامل، یعنی: احساسات (که حاصل برخورد محرک به عضوهای حسی برونی است) و تصورات (تجدید یا ترکیب چنین تأثیراتی) تبدیل کرد. با اعتقاد او ادراک حافظه و افکار ما نتیجه بجزایان افتادن داده‌ها و اطلاعات حسی و تصویری است. مکانیزمی که چنین پویشی بر آن متکی است، عبارت از قدرت تصورات تداعی شده است. میل افتقاد داشت که احتیاجی نیست هیچ نوع قدرت یا نیرو یا علتی را برای تداعی، مسلم فرض کنیم. احساس ماعبارت از جریانات حسی خاصی است که با هم و هم‌زمان با متوالی‌آرخ می‌دهد. آنچه خارج از چنین دمسازی طبیعی و طریقی که ما عکس العمل نشان می‌دهیم است، جریانات تداعی شده‌ی باشد که از نفسانیات ما ناشی می‌شوند. «تصورات ما... به ترتیبی که احساسات وجود داشته‌اند و این تصورات کپیبه آن احساسات هستند، به ذهن می‌رسند.» و این همان «تداعی معانی» است که منظور از آن چیزی جز نظم و ترتیب وقوع کیفیات نفسانی نیست.

همیشه ادراک ما از اشیاء مادی، در نتیجه تداعی‌های هم‌زمان است. وقتی شکل، اندازه، وزن، رنگ و سختی يك سنگ با هم ترکیب شوند، «ادراک» و سپس «تصور» را تشکیل می‌دهند. حال چگونه کلمات را یاد می‌گیریم و سخن می‌گوئیم؟ یادگیری و سخن گفتن، عبارت از تداعی‌های متوالی است، یعنی کلمات طبق قاعده‌ای که گفته شد بدنبال هم می‌آیند.

میل، قدرت تداعی‌ها را مربوط به تکرار و روشنی مطالب می‌داند. نظر او درباره نفس آدمی این بود که احساس اساس هر نوع تجربه است. انسان بهمان اندازه تحت کنترل محرک تقویت است که موش‌های سکنبر (۲) تحت کنترل این دو عامل بودند.

سیستمی که میل بآن اعتقاد داشت دارای نقطه ضعفی بود که امکان

۱- contiguity

۲- Skinner (بعداً در شماره‌های دیگر راجع به وی و مطالعاتش بحث

خواهد شد.)

چشم پوشی از آن وجود نداشت. یعنی در هنگام توصیف تجربیات پیچیده انسان، مثل فکر کردن و پیش‌بینی، او میبایست از مفهوم تداعی همزمان (۱) استفاده کند. یعنی تداعی محرك همزمان ترکیب میگردید یا بصورت ترکیبی درهم آمیخته می‌شد. بدین‌طریق تصور وزن، مستلزم تصور مقاومت و جهت (کشش، مکان، حرکت) بود و تصورات مربوط به اشیاء مستلزم تداعی‌های هم‌زمان تصورات ساده تر بود. با عقاد میل تصوری معنی يك درخت ترکیبی است از تصورات ساده‌ای مثل ساقه، شاخه‌ها، برگ‌ها و پوست درخت. او این اصل ساده تر را گسترش داد تا به چیزی که اصطلاحاً *reductio ad absurdum* می‌نامید، رسید.

باین طریق او می‌گفت تصورات یا معانی مثل «منزل» یا «اثاثیه» در نتیجه ترکیب هر تصور ساده‌ای که مربوط به این جوهر مجرد (منزل) است، میباید. پس يك «منزل» ترکیبی از تصورات یا معانی مربوط به تخته سنگ، آجر، الوار، لوله و ... است که بصورت يك تصور پیچیده درآمده است.

«جهان» ترکیبی تصوراتی است که انسان از همه موجودات دارد. حال چگونه آگاهی فرد، این قدم‌های عظیم را بر میدارد، و در يك لحظه همه ترکیبات درهم آمیخته تصورات را که در ذهن فرد در جریان هستند، بصورت يك مفهوم می‌آورد؟ چگونه میتوان از طریق تجزیه و تحلیل آن نشان داد که این همه عوامل مجزا، وجود دارند و به‌چنین تصورات مرکب مربوط هستند؟ و ... همه اشکالاتی هستند که باعث شد بر تئوری تداعی معانی انتقاداتی وارد شود. پس احتیاج بود که در این مورد کاری انجام شود و این تئوری از خطر درهم شکستگی نجات داده شود. بالاخره این کار، بوسیله جان استوارت میل پس از جیمز میل انجام گرفت.